

# بیغما

شماره مسلسل ۳۳۴

سال بیست و نهم

تیر ماه ۱۳۵۵

شماره چهارم

## شاعر و معلم بزرگ \*

شیخ سعدی شیرازی ، بی هیچ تردید بزرگترین شاعری است که زبان فارسی را در جهان ادب رواج و رونق داده و به کمال رسانده است و به حق و انصاف باید او را پدر و معلم ادب فارسی خواند و دانست .

به عرض بنده درست توجه فرمائید که جوانان محصل و ادب دوستان به گمراهی نیفتند ، بنده دعوی نمی کنم که سعدی بزرگترین شاعر ایران است زیرا رودکی ، فردوسی ، حافظ ، مولانا در این صف مقدم اند و نمی توان یکی را بر دیگری رجحان نهاد و هر یک از این بزرگان را در عالم بشریت مقامی عالی است . جوهر عرض بنده این است که هیچ شاعر و نویسنده ای چون شیخ سعدی زبان فارسی را نضح و قوام نداده . نمی شود گفت که مردم ایران امروزه به زبان مولانا و حافظ

سخنی است ارتجالی درباره سعدی که حبیب یغمائی در رادیو گفته و در اوایل اردی بهشت

۲۵۳۵ پراکنده شده است .

و فردوسی حرف می زنند اما می توانیم بگوئیم که مردم این عصر به زبان سعدی سخن می رانند و زبان امروز ما همان است که حضرت شیخ به ما تعلیم داده است و از مکتب خانه تا دانشگاه بدان آشنا شده ایم .

منت دیگری که شیخ اجل بر ما دارد آثار زیاد اوست از نظم و نثر و تنوع موضوع، از مملکت داری و سیاست و حکمت و عرفان و پند و نصیحت و عشق و جوانی و پیری و لطائف و احیاناً هجو، ضرب المثلی است که «پرگو خطا گوست»، و «آن خشت بود که پرتوان زد» اما سعدی هیچ کلمه ای نابجا ندارد، همه سخنانش به جای خود زیبا و فریبنده است، و ای کاش چند برابر از این که هست می بود و می فرمود. پشتوانه و ذخیره مالی هر کشور هر چندیش باشد اعتبارش بیش است و زبان و فرهنگ کشور ذخیره ای است معنوی که به قول فردوسی «بی بها» است یعنی قیمتی و بهائی نمی توان برایش تعیین کرد.

مزیت دیگر سعدی انواع اشعار اوست، شاهنامه فردوسی سرتاسر به بحر متقارب است، مثنوی مولانا به بحر مسدس مقصور از رمل، غزلیات حافظ تقریباً يك نواخت و خمسۀ نظامی مقصور در چند بحر... اما کلیات سعدی گونه گونه است. بوستان دارد، گلستان دارد، غزلیات دارد، قصاید دارد، مطایبات دارد. خواننده هر چند نابردبار و زودسیر هم باشد خسته نمی شود و ازین درخت چوبلبیل بران درخت می نشیند به عبارت دیگر زبان سعدی خسته کننده نیست.

ساده، روان، شیرین، لذت بخش که نه تنها خواص بل عوام هم درمی یابند و معانی آن را می فهمند و تعریف بلاغت در کتب ادبی همین است. البلاغة مافهمته العامه و رضیته الخاصه .

نمی توانیم بگوئیم که از کتاب های عزیز شیخ کدام يك از همه بهتر است. وقتی انسان به بوستانش می رود درمی یابد که باغی از آن با شکوه تر و زیباتر نیست، وقتی در گلستانش گام می نهد بوی گلش چنان مست می کند که دامنش از دست می رود، هنگامی که به قصایدش می پردازد دیگر هوس نمی کند که قصاید مغلط و

پیچیده دیگر شاعران را بخواند، و نصایح و پندهائی خطاب به پادشاهان و امراء می‌شود که دیگران جسارت بیان آن را نداشته‌اند.

در ضمن عزل‌های شور انگیز و عاشقانه اش ناگهانی و به موقع بیتی در عبرت و پند می‌آورد که انسان حساس را به هیجانی عجیب درمی‌افکند. داستانی خودمانی بگویم: در منزل دشتی، بنان خواننده معروف این غزل سعدی را خواند که از لذت و طرب حالی خاص به اهل مجلس که همه از خواص بودند دست داد:

حسن تو دایم بدین قرار نماند  
مست تو جاوید در خمار نماند  
ای گل سر مست نوش‌گفته نگه‌دار  
خاطر بلبل که نو بهار نماند  
وقتی این بیت را خواند:

عاقبت از ما غبار ماند، زنهار  
تا ز تو بر خاطری غبار نماند  
مجلسیان از شدت تأثر اشک به چشم آوردند گریستنی عارفانه.  
تکرار داستانی دیگر مناسب است:

با مرحوم فروغی غزلیات سعدی را تصحیح می‌کردم به این غزل رسیدیم:  
بخت آئینه ندارم که در آن می‌نگری

خاک بازار نیرزم که بن آن می‌گذری  
چون این بیت خوانده شد:

خفتگان را خبر از محنت بیداران نیست

تا عمت پیش نیاید غم مردم نخوری

پیر مرد بزرگوار چنان گریست که بی‌هوش در افتاد \*

منظور این است که در ضمن غزلیات سراسر عشق و شور و مستی گاهی و غالباً به ابیاتی بی‌می‌خوریم که در حقیقت عبرتی است و پندی است مؤثر و بلیغ و آموزنده.

\* در این جا مصاحبه قطع شد و صفحه‌ای با آهنگی مطبوع و با صدائی مؤثر این غزل خوانده شد.

سعدی شیخی است عارف و عالم و آزموده و سرد و گرم روزگار چشیده،  
مورد احترام سلاطین و وزراء و امراء زمان خود، قصایدی در ستایش این طبقه  
دارد، اما چه مدحی! چه ستایشی! همداش انداز و وعید و پند و توبیخ:

به نوبت اند ملوک اندرین سپنج سرای

کنون که نوبت تو است ای ملک بدعدل گرای

درم به جور ستانان زر به زینت ده

بنای خانه کنانند و بام قصر اندای

به ناگهان خیر آمد که مرد ظالم و ماند

به سیم سوختگان ز رنگار کرده سرای

در ستایش مبالغه فرموده و عظمت خود را از یاد نبرده هر چه گفتد و هر جا  
شفاعت کرده به سود و به حمایت مردم است نه از دستگاه درباری روی بر تافتد و نه  
چندان نزدیکی بسته و من در میان بزرگان ادب کسی را نمی شناسم که نابجا  
نگوید و طمع نوزد و حیثیت انسانی را محفوظ دارد.

بعضی بر سعدی اعتراض دارند که او حکیم و فیلسوف نیست. شیخی است  
مذهبی و آخوندمنش. فکرش اوج ندارد و از زمین به آسمان پرواز نمی کند و  
از این گونه حرف ها.

اولا به شخصی که صدها بیت از این گونه دارد:

طیران مرغ دیدی تو ز پای بند شهوت

به در آی تا بینی طیران آدمیت

این اعتراضات کودکانه و نابخردانه است.

نایا چه اشکال و چه عیب دارد که مردی مذهبی باشد و تسبیح گوی و  
واعظ باشد و حکیم اجتماعی باشد. و در صلاح مردم روی زمین بکوشد و بد آسمان  
نبردازد و بد افکار گنج کننده اذهان خلق را مشوش نسازد. به قول فردوسی:

کنون با آسمان نیز پرداختی!

به جنگ زمین سربسراختی

من در باره سعدی چه می توانم گفت ، سخنوری چون خودش می باید که خداوند را سپاس کند و بگوید:

جهان به تیغ بلاغت گرفتگی ای سعدی

سیاس دار که جز فیض آسمانی نیست

تنها نصیحتم به فرزندان عزیز کشور این است که سعدی را بخوانند و مکرر بخوانند و زبان شیرین او را فراگیرند ، و این زبان لطیف را که ارجمندترین سرمایه معنوی کشور است دستخوش هوا و هوس نسازند. لغات و عبارات و کلماتش را به جرم این که عربی است تغییر ندهند و درك کنند که بیرون کردن کلمات عربی که به زبان شیرین ما آمیخته شده کاری است ناشدنی و نابخردانه :

مرا به علت بیگانگی ز خویش مران

که دوستان وفادار بهتر از خویش اند

\*\*\*

دو سال پیش غزلی از شیخ را تضمین کرده ام که شمه ای از عقیده و اخلاص بدان آستان مبارک است . چند بند آن را می خوانم و لب فرو می بندم :

سعدیا جلوه جان ها ز صفای تو بود

زهنمای بشر اندیشه و رای تو بود

شود در پرده گیتی ز نوای تو بود

من چه در پای تو ریزم که سزای تو بود

سر نه چیزی است که شایسته پای تو بود

زآستی هیچ سخن چون سخنت شیرین نیست

نیروی طبع خداداده کس چندین نیست

نه در خشت گیت ماه ندو برترین نیست

ذره ای در همه اجزای من مسکین نیست

که در آن ذره معلق به همای تو بود

دولت آن راست که در کوی تو باشد همه عمر  
 فتنه طبع سخن گوی تو باشد همه عمر  
 قبله بند گیش سوی تو باشد همه عمر  
 خرم آن روی که در روی تو باشد همه عمر  
 وین نباشد مگر آن وقت که رأی تو بود  
 پرتو فکر تو چون از افق دهر دمید  
 آسمان گفت که این نور پیاید جاوید  
 روز گاران چو تو فرزند کجا خواهد دید؟  
 عجب است آن که ترا دید و حدیث تو شنید  
 که همه عمر نه مشتاق لقای تو بود

\* \* \*

\* این که می فرمائید در پنجاه سال شاهنشاهی دودمان پهلوی درباره سعدی چه کارهایی شده در حدود اطلاعاتی که دارم جواب عرض می کنم :

اولاً - در عصر سلطنت اعلی حضرت رضا شاه کبیر به مناسبت هفتصدمین سال تزیف گلستان جشن هائی برپای شد و نخست گلستان شیخ و بعد بقیه آثارش تصحیح و چاپ شد. به اهتمام مرحوم محمدعلی فردغی و با همکاری من بنده جیب بیغمائی - کتابی هم به نام «سعدی نامه» متضمن مقالاتی از بزرگان ادب آن عصر که غالباً از دنیا رفته اند، نخست در مجله تعلیم و تربیت و بعد جداگانه چاپ شد که این کتاب نایاب و گران است و افتخار تصدی این خدمت نیز با من بود. و حق شناسی را باید یاد کرد که در این برهه از زمان جناب علی اصغر حکمت وزارت معارف را داشت و باین امور عشق و علاقه دافر.

ثانیاً - در دوره شاهنشاهی پهلوی دوم ( اعلی حضرت شاهنشاه آریامهر )

\* این قسمت در پاسخ سؤال نماینده محترم و با استمداد رادیو است.

آرامگاه سعدی بنیان یافت و به صورتی بسیار باشکوه و زیبا که هم اکنون مشاهده می فرمایند در آمد . شخص اعلیٰ حضرت همایونی برای افتتاح آن به شیراز تشریف فرما شدند ، در این جشن باشکوه دکتر لطفعلی صورتگر قصیده‌ای ساخت و خواند که از امهات قصاید زبان فارسی است و يك بیت ستایش آن بیش از قصاید مظننن قدماً ارزش و جلوه دارد . و این قصیده در مجله ادبی یغما به چاپ رسیده .

دیگر این که می دانید از طرف وزارت فرهنگ و هنر و اداره رادیو و تبلیغات کشور همه ساله جشن هائی در شیراز برپا می شود و هنرمندان و بزرگان جهان در این جشن ها شرکت می کنند و همگان به زیارت سعدی و حافظ توفیق می یابند و این خود تعظیم و تجلیلی مؤثر است .

در جشن دوهزار و پانصدمین سال شاهنشاهی ایران که بر مزار کورش کبیر برپای شد و بزرگترین جشن کشور شاهنشاهی به شمار می آید ، روساء جمهور و سلاطین و بزرگان ممالک دنیا که شرکت جسته بودند همگان توفیق یافتند که آرامگاه سعدی و حافظ را نیز زیارت کنند .

اخیراً هم فرهنگستان ادب و هنر به ریاست جناب استاد دکتر خانلری در چاپ دیگری از سعدی تصمیم کرده است . نسخه هائی اصیل و قدیم نزدیک به زمان شیخ فراهم آمده که مقابله و تصحیح می شود . گمان می رود این نسخه بهترین و صحیح ترین کلیات شیخ اجل باشد و چاپ این کتاب را می باید از مآثر این عصر همایون بشمار آورد .

